Journal of Literary Schools, Volume 9, Number 30, pp. 55-75

University of

A Surrealist Reading of Shams Langeroodi's Poetry through the Lens of Climatic Theory

Rahman Kazemi[1*] Gholamreza Pirouz[1] Morteza Mohseni[1] Shahram Ahmadi[1]

1. Babolsar, University of Mazandaran, Iran

DOI: 10.22080/rjls.2024.27344.1483

Abstract

Surrealism profoundly influenced the European art world at the beginning of the 20th century and soon spread globally. Simultaneous with the rise of Nimaic poetry in Iran—aligned with Romanticism and social Symbolism—Surrealist poetry also began to emerge and gradually found expression within various types of modern Persian poetry. Ultimately, it became a dominant literary trend in the 1990s and beyond. From Shams Langeroodi's earliest poetry collections, Surrealism became central to his poetic vision. Departing from classical aesthetics and Symbolism, he utilized automatic writing, Surrealist imagery, humor, and dream logic to cultivate artistic creativity**.** This article uses statistical and descriptive-analytical methods to examine recurring Surrealist elements in Langeroodi's poetry. Treating each poem as a unit of analysis among 1,115 free-verse pieces, the study categorizes them according to eight major Surrealist components. Among these, automatic writing, Surrealist space, dreams, and humor had the highest frequency. Moreover, when viewed through the lens of "climatic theory," over 50% of Langeroodi's poems are shaped by natural and ecological environments. In the pursuit of the surreal, climatic space functions as a substitute reality—an escape from the confines of everyday life, industrial materialism, and human inner contradictions, all of which the subconscious presents to the poetic imagination**.**

Keywords: Surrealism, Shams Langeroodi, Climatic theory, Dream, Surrealist space

Introduction

Shams Langeroodi (b. 1951) is a contemporary Iranian poet who began his literary journey with his first collection in 1978. He gradually gravitated toward Surrealism. Following the decline of ideological trends in Iranian contemporary poetry in the 1980s, new poetic currents emerged, broadly labeled as postmodern or 1990s poetry. One of the most influential among them is Langeroodi's, marked by**:** "Avoidance of slogans and ideological doctrine—especially leftist thought—and an emphasis on the pains of modern humanity, not just Iranians, as the core artistic commitment" (Taheri, 2013: 253). Langeroodi defines his poetry as a reflection of "forbidden life and wasted dreams," echoing the silenced voices of suffering people around him**.**

Research Questions and Methodology

This qualitative research adopts a descriptive-analytical method using library and textual sources. Based on core Surrealist concepts and themes, each poem from Langeroodi's 19 collections was treated as a unit of analysis. Poems were grouped by dominant Surrealist component, and frequency was measured. From 1,115 poems, four

* Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. Corresponding author: kazemir49@gmail.com

Copyright: © 2025 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

components—automatic writing (250), Surrealist space (248), dream (240), and humor (167)—accounted for over 900 poems. The connection between Surrealist elements and climatic theory was also examined**.** The following questions were of special importance to this research:

1. What are the key Surrealist elements in reading Shams Langeroodi's poetry?
2. In which of his collections are Surrealist elements most prominent?
3. How can interpreting Langeroodi's poetry using Surrealist space and climatic theory offer a new lens for literary analysis?

Findings and Conclusion

Langeroodi's early work placed Surrealism at the center of his poetic vision, using automatic writing to generate dreamlike imagery and abstract spaces. This article analyzed his frequent use of Surrealist themes and their link to climate as a foundational context for symbolism and interpretation**.**

The analysis showed that in more than 50% of his poems, climatic environments serve as structural elements of the text. Expanding Surrealist experience through music, language, mythology, urban life, love, war, and natural elements, Langeroodi creates poetry that is simple on the surface but layered in meaning. His stylistic simplicity—part of his poetic ethos—offers access to modern audiences while preserving interpretive depth through surreal logic, conceptual metaphors, and imaginative framing**.**

Surrealist automatic writing opens his poetry to various spaces. Among these, ecological environments are most frequent. This climatic imagery offers a substitute reality—a way out of materialist and industrial societal pressures—allowing subconscious expression to reshape everyday reality into poetic transcendence**.**

پژوهش‌نامه‌ی مکتب‌های ادبی، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۳۰، صص ۷۵-۵۵

خوانش سوررئالیستی شعر شمس لنگرودی با نگره‌ی اقلیمی

رحمان کاظمی[۱]
غلامرضا پیروز[۲]
مرتضی نمحسنی[۳]
شهرام احمدی[۴]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۲۴ **تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۱**
DOI: 10.22080/rjls.2024.27344.1483

چکیده:
سوررئالیسم در آغاز قرن بیستم تأثیری ژرف بر فضاهای هنری اروپا گذاشت و در مدت کوتاهی پهنه‌های جهان را درنوردید و هم‌زمان با رشد جریان شعر نیمایی در مسیر رمانتیسیسم و سمبولیسم اجتماعی، جریان شعر سوررئالیستی نیز، زمینه‌های رشد و نمو خود را در ایران آغاز کرد و در گونه‌هایی از شعر نو با نام‌های گوناگون، کم‌وبیش به فعالیت خود ادامه داد و سرانجام در شعر دهه هفتاد و پس از آن، به یک جریان غالب تبدیل شد. از نخستین دفترهای شعر شمس لنگرودی، شعر سوررئالیستی در مرکز بینش شاعرانه او قرار گرفت و او با فاصله‌گیری از اصول زیبایی‌شناسی شعر کلاسیک و سمبولیسم، از ظرفیت‌های نگارش خودکار، فضاهای سوررئالیستی، طنز و رؤیا برای خلاقیت هنری خویش سود جست. در این مقاله عناصر پربسامد سوررئالیستی در شعر شمس لنگرودی، با روش آماری و توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. با در نظر گرفتن هر قطعه شعر به‌عنوان یک واحد تحلیل، از میان مجموع هزار و صد و پانزده قطعه شعر سپید، و توزیع آن بر اساس مؤلفه‌های هشت‌گانه‌ی سوررئالیسم، بسامد مقوله‌های نگارش خودکار، فضای سوررئالیستی، رؤیا و طنز در شعرهای او از بقیه بالاتر است و با در نظر گرفتن عنصر نگره‌ی اقلیمی، آشکار می‌گردد که بیش از ۵۰ درصد از شعرهای شمس لنگرودی، بر زمینه فضاهای اقلیمی شکل گرفته است و در حرکت به‌سوی فراواقعیت، فضای اقلیمی به‌مثابه واقعیت جایگزین عمل می‌کند زیرا راهی برای رهایی از تنگنای زندگی روزمره و سلطه‌ی جامعه‌ی سودانگار صنعتی و تناقض‌های درونی انسانی است که ضمیر پنهان و ناهشیار آن را در پیش پای شعر می‌گذارد.

کلیدواژه: سوررئالیسم، شمس لنگرودی، نگره اقلیمی، رؤیا، فضای سوررئالیستی

[۱]- دانشجوی دکتری زبان ادبیّات فارسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. (نویسنده مسؤول) رایانامه: kazemir49@gmail.com
[۲]- استاد، زبان ادبیّات فارسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. رایانامه: pirouz_40@yahoo.com
[۳]- دانشیار، وزارت علوم، تحقیقات و فنّاوری، ایران. (نویسنده مسؤول) رایانامه: mohseni@umz.ac.irr
[۴]- دانشیار، وزارت علوم، تحقیقات و فنّاوری، ایران. (نویسنده مسؤول) رایانامه: sh.ahmadi@umz.ac.irr

۱-مقدمه

سوررئالیسم[۵] به مثابه‌ی یکی از تأثیرگذارترین مکتب‌های ادبی قرن بیستم رویکردی نو به شعر و ادبیات پدید آورد که با تکیه بر ضمیر ناخودآگاه و رؤیا به دنبال کشف واقعیت برتر بود تا با ایجاد فضایی تازه از ابتذال و تکرار زیبایی‌شناسی مسلّط بر ادبیات فرانسه پس از جنگ جهانی اول رهایی یابد. به‌زعم سوررئالیست‌ها، انسان طبیعتی شاعرانه دارد. زنجیرهای مدنیت و ابتذال زندگی روزمره، انسان را از موهبت طبیعی شاعرانه دور کرده است. سوررئالیسم به معنای مشخص و جدید، پس از ورود تسارا[۶] به پاریس (ژانویه ۱۹۲۰) پدید می‌آید که در نوشتن نخستین مرامنامه‌ی سوررئالیسم (۱۹۲۴) به قلم برتون[۷] نقش محوری دارد. سوررئالیسم را به وجهی کلی و موسع و به معنای هر چیزی تعریف می‌کند که از واقع‌گرایی معتاد برگشته است. (رنه ولک، ج۸، ۱۳۸۹: ۱۳۴)؛ آپولینر[۸] کوشید شعر را از قید رمانتیسیسم و سمبولیسم رها سازد و با حذف هرگونه پیوند منطقی میان عبارات و کلمات در پی آن برآمد که احساسات عینی را خاصه به حالت خام ثبت کند و آنها را با القا و ایهام به دیگران منتقل سازد. برتون مشخصات اصلی سوررئالیسم را سه تکنیک می‌دانست: نوع اتوماتیسم یا خودکاری روحی که بسیار به حالت رؤیا نزدیک است، داستان‌های رؤیا و تجارب خواب مغناطیسی. (هنرمندی، ۱۳۳۸، ۳۷۴)؛ واقعیت هول‌انگیزی که پاگرفتن فاشیسم در اروپا پدیدار کرد، چنان آشکار و قاطع بود که خواب‌آلوده‌ترین هنرمندان طبقه‌ی متوسط را هم بیدار کرد. (پرهام، ۱۳۹۴: ۱۴۲)؛ سوررئالیسم، واکنشی ویرانگر به زیبایی‌شناسی جهان مدرن پس از ویرانگری جنگ جهانی اول است. طرحی نو علیه همه‌ی ارزش‌های هنری و اخلاقی جهان مدرن ظهور یافت که بیشتر در قالب شعر و نقاشی و سپس سینما به عرصه‌ی وجود پا نهاد و به‌تدریج در کشورهای دیگر گسترش پیدا کرد. آندره برتون بنیان‌گذار سوررئالیسم، به منطق رؤیا اشاره کرد و خواست او دراین‌باره دگرگونی منطق هستی و خود هستی بود. هنگامی‌که برتون و فیلیپ سوپو[۹] میدان‌های مغناطیسی را نوشتند، بسیاری آن را نخستین متن سوررئالیسم دانستند. (تسلیمی، ۱۳۹۶: ۳۳۹)؛ زمانی مهم‌ترین چهره‌های سوررئالیسم در فرانسه دادائیست‌ها[۱۰] بودند: آندره برتون، پل الوار[۱۱]، لویی آراگون[۱۲]، فیلیپ سوپو از این گروه‌اند. در انگلستان دیوید گاس‌کوین[۱۳] در سال ۱۹۳۵ بررسی کوتاه سوررئالیسم را انتشار داد و شعرهای سوررئالیست‌های فرانسوی را به انگلیسی ترجمه کرد و

---

5 -Surrealism

6 -Tristan Tzara
7 -André Breton
8 -Guillaume Apollinaire
9- Philippe Soupault

10 -Dadaïsme
11- Paul Éluard

12 -Louis Aragon
13 -David Gascoigne

در سال **۱۹۴۳** مجموعه اشعارش را به چاپ رساند. در اسپانیا فدریکو گارسیا لورکا[۱۴] (۱۸۹۸-۱۹۳۶) به شعر سوررئالیستی با گرایش‌های لیبرال _سوررئالیستی رو آورد. در یونان نیکوس آنگلوپولس[۱۵] و آندراس امبیریکس[۱۶] مهم‌ترین شاعران سوررئالیست‌اند. برتون که خود رمان نادیا را نوشت، رمان بوف کور صادق هدایت را سوررئالیستی و از آثار برتر جهان می‌دانست. (همان، ۳۴۱)؛ این مکتب هنری، به‌سرعت در جهان معاصر گسترش یافت و با فضاهای بومی و اقلیمی و نگره‌های فردی و فرهنگی نقاط گوناگون جهان هماهنگ شد و در هر گوشه جلوه‌ای تازه یافت. با تغییر فضای شعر ایران از سنتی به نو، سوررئالیسم در دهه چهل، وارد فضای شعر ایران شد و پس‌ازآن همواره در شعر معاصر حضور داشته است و به شیوه‌های گوناگون خود را نمایانده است. در دهه هفتاد شعر معاصر، سوررئالیسم در شعر شمس لنگرودی نمود بارز داشته و با بوم‌گرایی و نگره‌ی اقلیمی پیوند خورده است. شمس لنگرودی برای ایجاد فضای سوررئالیستی شعر خود، اغلب با دوری از عناصر شهری و زندگی مدرن، به‌سوی عناصر اقلیمی و تاریخی-اسطوره‌ای می‌گریزد.

۱-۱- بیان مسأله

شمس لنگرودی (متولد ۱۳۳۰) شاعر معاصر ایران، با انتشار نخستین دفتر اشعار خود در سال ۱۳۵۷، راهی پرفرازونشیب را در مسیر خلاقیت ادبی خود در شعر معاصر آغاز کرد که رفته‌رفته به‌سوی سوررئالیسم گرایش یافت. سوررئالیسم مثل نهالی بود که در دفتر جشن ناپیدا (۱۳۶۷) کاشته شد و در قصیده لبخند چاک‌چاک تداوم یافت و پس از یک دهه توقف، با کتاب «نت‌هایی برای بلبل چوبی» (۱۳۷۹) حیاتی تازه آغاز کرد که تا کتاب «رقص با گذرنامه جعلی» (۱۴۰۲) همواره بارور مانده است. با افول گرایش‌های ایدئولوژیکی در شعر معاصر ایران -پس از دهه شصت- شعر نو به‌سوی جریانات جدیدی گرایش یافت که به‌طورکلی جریان‌های پسامدرن یا شعر دهه هفتاد، نامیده می‌شوند. گرایش‌های گوناگون در این دوره وجود دارد که شعر شمس لنگرودی یکی از مهم‌ترین و مشهورترین این گرایش‌هاست که با «پرهیز از شعارزدگی و پشت‌کردن به ایدئولوژی مرامی و مکتبی به‌ویژه جریان فکری چپ، بیان دردهای انسان معاصر -نه‌فقط ایرانی- و تبیین جهان پیرامون را اصلی‌ترین تعهد هنری خود می‌دانند.» (طاهری، ۱۳۹۲: ۲۵۳)؛ شمس لنگرودی با نوعی گرایش اجتماعی و به‌ویژه فلسفی خاص خود، «شعرش را تجلّی و بازتاب زندگی حرام و آرزوی تلف‌شده آدمی می‌داند که انعکاس صداهای فروخفته‌ی انسان دردکشیده پیرامون است.» (همان)

---

14 -Federico García Lorca

15 -Nikos Angelopoulos

16 -Anderas Embriks

شمس لنگرودی با تجربه‌های متوالی کشف فضاهای تازه در سرودن شعر، با فاصله‌گرفتن از فضای مسلط بر شعر دهه چهل و پنجاه، توانست با نزدیکی به زبان گفتار و گسست‌های زیبایی‌شناسی از فضای ایدئولوژیک، به زبان شعری مستقلی دست پیدا کند که رگه‌های سوررئالیستی تصاویرش قابل‌توجّه است. او با شناخت ظرفیت‌های نهفته زبان گفتار، و رهایی از قیود شعر کلاسیک و شعر نیمایی، مؤلفه‌های سوررئالیسم را مثل طنز، رؤیا، نگارش خودکار، فضای سوررئالیستی، به همراه محیط‌زیست‌گرایی و نگره‌ی اقلیمی (عناصر طبیعت گیلان) در آفرینش اغلب شعرهای خود به کار گرفت. خودکاوی مداوم او در ضمیر پنهان و کشف دنیای برتر از دل زندگی روزمره و بیان تناقضات زندگی انسان معاصر با چاشنی طنز، فضای شعر او را متفاوت‌تر از گذشته کرد، که هم در شعر عاشقانه و هم شعر اجتماعی او حضور چشمگیر دارد.

هدف این پژوهش از خوانش سوررئالیستی اشعار او موضوعی بینامتنی است. پیش‌متن شمس، تجربه شاعران موج نو و حجم‌گرا بود که چالش‌های صرفی و نحوی زبان شعر را به‌عنوان شگردهای بیانی شعر سوررئالیستی برگزیده بودند، اما او راهی متفاوت را بر تجربه‌ی پیش از خود افزود. سادگی زبان او در کنار ایجاز بیانی، در آفرینش تصاویر سوررئال، به ایجاد فضای متعدد سوررئالیستی در شعر او انجامید. رویکرد سهل و ممتنع او به زبان شعر، انتقادهایی را مبنی‌بر ساده‌سازی زبان شعر برانگیخته است، اگر خوشایند برخی طرفداران باسابقه شعر نو ایران نباشد، در ارتباط با مخاطبان جدید شعر معاصر موفق عمل کرده است، اگرچه دلالت‌های ضمنی فراوان در شعر او، لایه‌های پنهان را برای خواننده ژرف‌نگر، همواره محفوظ نگه می‌دارد. گسست زیبایی‌شناسانه از ادبیات کلاسیک و سمبولیسم معاصر نیز باعث شد سراسر زندگی بهانه‌ای برای سرودن شعر شود، که با گذر از دل زیبایی‌شناسی شعر معاصر و سمبولیسم اجتماعی، به دنبال کشف دنیاهای تازه می‌گردد. برخی پاره‌های شعر شمس به حکمت‌ها و مثل‌ها پیوسته است. چنانکه در ذهن مخاطبان شعر کلاسیک فارسی نیز پیش‌ازاین حکمت‌های شاعران بزرگ رسوخ یافته بودند. ازآنجاکه برخی از ویژگی‌های مکتب رمانتیسیسم[17] و رئالیسم جادویی[18] با سوررئالیسم اشتراکات قابل‌توجّهی دارد، خوانش سوررئالیستی اشعار شمس به معنای نفی سایر رویکردهای مطالعات ادبی نیست. شاعری که بیش از چهار دهه، فعالیت هنری دارد، فراز و نشیب‌های فراوانی را طی کرده است، چنانکه برخی منتقدان اشعار شمس را در سه دوره نمادگرایی، رمانتیسم اجتماعی و سوررئالیسم دسته‌بندی می‌کنند. (شریفی، ۱۴۰۰: ۳۷)؛ این مقاله مقوله‌های پربسامد سوررئالیستی در نوزده دفتر شعر شمس لنگرودی (از دهه ۶۰ شمسی تاکنون) را بررسی کرده است.

---

17 -Romanticism
18 -magical realism

۱-۲- پرسش‌های پژوهش

۱. مهم‌ترین مؤلفه‌های سوررئالیسم در خوانش شعر شمس لنگرودی کدام است؟

۲. تجربه‌ی فضاهای سوررئالیستی در کدام‌یک از دفترهای شعری شمس، نمود بیشتری دارد؟

۳. خوانش اشعار شمس بر اساس فضاهای سوررئالیستی_نگره اقلیمی چگونه می‌تواند رویکرد تازه‌ای در تحلیل آثار ادبی باشد؟

۱-۳- روش پژوهش

روش کار در این پژوهش کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات از طریق کتابخانه‌ای و منابع مکتوب است. با توجّه به موضوع پژوهش، بر اساس منابع اصلی، مقوله‌ها و بن‌مایه‌های مکتب سوررئالیسم به دست آمده و شعرهای شمس لنگرودی، با تحلیل و بررسی، با آن مقوله‌ها و بن‌مایه‌ها مورد سنجش قرار گرفته است. هر شعر، از دفترهای نوزده‌گانه او، به‌عنوان یک واحد تحلیلی در نظر گرفته شده و بر اساس غلبه‌ی یک مؤلفه، زیرمجموعه‌ی یکی از مؤلفه‌های سوررئالیسم قرار گرفت و بسامد آن در نظر گرفته شده است. از میان ۱۱۱۵ قطعه شعر، توزیع فراوانی مورد ارزیابی قرار گرفت و سپس پیوند مؤلفه‌های سوررئالیستی با نگره‌ی اقلیمی بررسی شد. از این رهگذر، علاوه بر شناسایی فضای شعر شمس لنگرودی و میزان تأثیر هر مؤلفه بر شعر او، میزان تأثیر نگره‌ی اقلیمی بر ساخت شعر لنگرودی نیز سنجیده شد.

۱-۴- پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش مستقلی در زمینه‌ی اشعار شمس لنگرودی بر مبنای تحلیل سوررئالیستی انجام‌نشده است، اما درباره‌ی تأثیر سوررئالیسم بر شعر معاصر و کلاسیک ایران پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به مهم‌ترین آن‌ها فهرست‌وار اشاره می‌شود:

براهنی (۱۳۴۴) در مقاله‌ای با عنوان «تحقیقی در تشابهات بین مولوی، سوررئالیسم، رمبو و فروید» در نشریه زبان و ادب فارسی دانشگاه تهران: ضمن برشمردن برخی خصوصیات شعر مولانا، آن را منطبق‌بر برخی ویژگی‌های سوررئالیسم دانسته است: نگارش خودکار (املای اندیشه در نبود هرگونه بازرسی عقل و بیرون از هرگونه اصول زیباشناسی و اخلاقی)، قدرت مطلقه‌ی رؤیا، ویران ساختن هرگونه مکانیسم روحی دیگر و جانشین ساختن خود به‌جای آن، جستجوی ذهنیّت مطلق و کمال غیرفیزیکی، حذف عوامل زمان و مکان، بی‌اعتنایی به اختلاف‌های عقیدتی، تخیّل بی‌کران، اعجاب‌انگیز بودن، برجسته‌سازی ضمیر ناخودآگاه، طنز و نگرش آیرونیک[۱۹]، مخالفت با هر نوع قرارداد اخلاق بورژوایی، شعر آزاد از قیود وزن و قافیه و...، اختلال حواس و سپردن نقش‌مایه‌ی هرکدام به دیگری.

---

19 -Ironic

قنبری عبدالملکی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرپذیری جریان‌های شعر موج نو و حجم‌گرا در ایران از سوررئالیسم فرانسه»، به بررسی ویژگی‌های مشترک شعر حجم و سوررئالیسم از نظر تصویر، زبان، موسیقی و تفکر فردگرایی پرداخت و معتقد است که ویژگی‌های تصویری، زبانی و موسیقایی شعر حجم در اشعار سوررئالیستی مشاهده می‌شود. نوش‌آفرین کلانتر (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مؤلفه‌های سوررئالیسم در شعر سید علی صالحی» تکیه‌بر کشف و شهود، طنز، امر شگفت و خارق‌العاده، نگارش خودکار، اهمیّت خواب و رؤیا، توجّه به دیوانگی، تصویر سوررئالیستی، تصادف عینی، گسست در متن و اشیای سوررئالیستی را جزو ویژگی‌های شعر او می‌داند.

بابازاده اقدم و نوروزی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به مکتب سوررئالیسم و جلوه‌هایی از آن در شعر قیصر امین‌پور» تقلید از سپهری را در گونه‌های سوررئالیستی شعر او می‌بینند.

هارونی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مبانی مشترک سوررئالیسم و مثنوی‌های عطار نیشابوری» به تبیین مبانی نظری مکتب سوررئالیسم ازجمله نگارش خودکار، عقل‌ستیزی، زبان طنز، توجّه به درون و مانند آن می‌پردازد که در راستای رسیدن به نقطه‌ی وحدت، تداعی‌گر اصول و مبانی مکتب عرفان و حقیقت برتری است که هدف آن شمرده می‌شود.

مقاله‌ی جهاندیده با عنوان پیوند سمبولیسم و سوررئالیسم در شعر آدونیس و شمس لنگرودی (۱۳۹۷) از تلفیق دو مکتب در شعر شمس لنگرودی، نتیجه می‌گیرد که شعر او بازنمایی نمادگان اجتماعی و نوعی سمبولیسم و نمادگرایی است. به نظر می‌آید که این نتیجه‌گیری بر شواهد متن‌شناسانه موجهی بنا نشده است.

۲- چارچوب مفهومی پژوهش

سوررئالیسم، تظاهر هنری آخرین مراحل تمدن دنیای باختر و پدیده دورانی است که لیبرالیسم به شکل آنارشیسم درمی‌آید. این مکتب هنری زاییده‌ی تئوری‌هایی است که می‌کوشند در دم واپسین حکومت طبقه‌ی متوسط، دنیای باطنی فرد را منبع همه‌ی محرومیّت‌ها و شکست‌ها به شمار آورند و داروی بیماری‌های تمدن معاصر را در خود فرد بجویند (فرویدیسم) و درنتیجه فرد را از قوانین و الزامات دنیای خارج بی‌نیاز سازند (آنارشیسم)، سوررئالیسم توهّم کهنه‌ی لیبرال‌های پیشین را که می‌پنداشتند آزادی در نادیده گرفتن ضرورت و رهایی از الزامات اجتماعی است دوباره زنده می‌کند. (پرهام، ۱۳۹۴: ۱۴۱)؛ بنابراین گرایش‌های اعتراضی شعر سوررئالیسم، همه اشکال زندگی و هنر مدرن را به سخره می‌گیرد و در میان ویرانگری‌های ساختارشکنانه خود دنبال شگفت‌آفرینی در هنر شعر است که فاصله معنادار خود را با مکاتب پیش از خود حفظ کند.

۲-۱- سوررئالیسم و زیبایی‌شناسی جدید

در نظام زیبایی‌شناختی قرن بیستم پدیده‌ای مهم‌تر از سوررئالیسم نبود، با این‌همه، تعریف دقیقی هم از آن وجود ندارد. سوررئالیست‌ها گروهی عصیانگر آرمان‌گرا بودند که می‌کوشیدند تا با نیروی تام اندیشه، قیود منطقی، فرهنگی، اخلاقی، مذهبی، خانوادگی و میهنی را که بر دوش انسان سنگینی می‌کرد از میان بردارند درحالی‌که تاریخ بشری با تناقض‌هایش ادامه می‌یافت. این خطر وجود داشت که سوررئالیست‌ها در محراب جدید زیبایی‌شناسی و فلسفی خود اسیر بمانند. (پیر برونل، ۹۱: ۱۳۹۱)؛ سوررئالیست‌ها برخلاف زیبایی‌شناسی گذشته که زبان را وسیله‌ی بیان الهام می‌دانست، زبان را منبع الهام شاعرانه می‌پنداشتند. آزادی بشر را درگرو آزادی زبان می‌دانستند. زبانی که به‌هیچ‌روی حقیقت مرموز بشر و دنیا را پنهان نمی‌کند بلکه جولانگاه بی‌انتهای افشاگری‌هاست. یکی از کاستی‌های سمبولیسم و اکسپرسیونیسم[۲۰] تنگی مجال و عرصه است که به‌سرعت منجر به آشفتگی و هرج‌ومرجی کنترل‌ناپذیر می‌شود. این دو مکتب به اوج هرج‌ومرج و آشفتگی خود در مکتبی رسیدند که سوررئالیسم یا مکتب ماورای واقعیت نام گرفت. «سوررئالیسم را می‌توان آخرین مرحله‌ی تطوّر رویکرد رمانتیسیسم و آخرین پناهگاه برای همه‌کسانی دانست که از بشریّت متنفر و از آن گریزانند. هدف این مکتب تغییر همه‌ی جوانب زندگی به‌منظور آفریدن انسانی تام بود (عالمی از نو بباید ساخت وز نو عالمی) انسانی که آزادی مطلق را از طریق خیال به دست می‌آورد.» (عباس، ۱۳۹۱: ۹۷)؛ جهان ادبیات پس از ظهور سوررئالیسم نگرش جدیدی به تخیّل و تصویر را تجربه و روانشناسی را به ادبیات نزدیک‌تر کرد. برتون به‌عنوان بنیان‌گذار مکتب ادبی سوررئالیسم، ادبیات را به روانکاوی نزدیک‌تر کرد و طرح ضمیر ناخودآگاه فروید را به‌عنوان منبعی برای نوشتن شعر به شیوه خودکاری روان مطرح کرد. سوررئالیسم به‌تدریج با توجّه به ترجمه آثار فرانسوی به زبان‌های دیگر دنیا از آنچه سه نظریه‌پرداز اولیه برتون و آراگون و فیلیپ سوپو در نظر داشتند، فراتر رفت. «برتون چنانکه در بیانیه خود تأکید کرده، آزادی، اساس سوررئالیسم است و اولین آزادی، رهاشدن هنرمند از دست قواعد هنر است.» (همان، ۹۴)؛ سوررئالیست‌ها حدومرزی برای خلاقیّت شعری قائل نبودند و از هرگونه محدودیتی در سرودن شعر می‌گریختند. به تقلید از بودلر[۲۱] هنر را نتیجه‌ی تحمل رنج و سختی می‌دانستند و هم‌صدا با بودلر شعر را راهی برای کشف و شناخت به شمار می‌آوردند و گفتند که شعر از درد سرچشمه می‌گیرد و راه تحمل درد را به انسان می‌آموزد. (همان، ۹۵)

هر مکتب ادبی فقط یک نظریه درباره شعر نیست بلکه مبنای آن بر اصول فکری و فلسفی معاصر آن استوار است. مکاتب در خلوت و انزوای فکر هیچ متفکری نمی‌روید بلکه زمینه و زمانه رویش آن در تعامل و گفتگو با اندیشه معاصر است. سوررئالیسم نیز به‌عنوان یک مکتب ادبی که از دل پیامدهای

---

20 -Expressionism
21- Charles Baudelaire

ناگوار جنگ جهانی و سرخوردگی انسان از تمدن غرب برآمد از این قاعده مستثنا نیست. هرچه از آغاز یعنی از کلاسیسم و... دورتر شویم و به زمان حاضر نزدیک‌تر گردیم متوجّه می‌شویم که معنای مکتب که مبتنی‌بر اندیشه گروهی است، در حال کمرنگ‌تر شدن است. برعکس معنای سبک که مبتنی‌بر اندیشه فردی است در حال پررنگ شدن، به‌نحوی‌که برخی سوررئالیسم را آخرین مکتب در معنای سنتی آن دانسته‌اند. (شمس، ۱۳۷۸: ۲۸۱)؛ سوررئالیست‌ها باور داشتند: عبور از دنیای مادی که سودجویی عامل محرک آن است لازمه رسیدن به دنیای شگفتی‌ها و زیبایی‌هاست. (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۸۱۷)؛ سوررئالیسم اساس کار خود را بر تداعی آزاد معانی و افکار و تصاویر و نوعی حالت خلسه و رؤیا می‌گذارد و می‌کوشد تا به خلاقیت هنری جنبه خودبه‌خود بدهد. (پرهام، ۱۳۴۹: ۱۲۸)

سوررئالیسم به دلیل جایگزینی تخیّل و تصویر بر دیگر عناصر زیبایی‌شناسی کلاسیک، به‌عنوان رویکرد نوآورانه در شعر معاصر جهان تأثیر داشته است. واقعیت برتر یا همان فراواقع، عبور از ظواهر فریبنده‌ایست که محیط انسان و زمین و زمانه‌ی او را در برگرفته است. واقعیت حقیقی، یعنی واقعیت برتر =سورئال را باید از ورای ظاهر فریبنده و در ژرفای وجدان ناآگاه آنان جست و کار هنرمند و نویسنده باید ازاین‌پس آن باشد که به این واقعیت برتر دست یابد و بی‌توجّه به محدودیت‌های اجتماعی، آن را بازگوید. (همان، ص ۲۸۵)

۲-۲- بن‌مایه‌های سوررئالیستی

سوررئالیسم آکنده از عناصر سیاه است... از سوی دیگر، احساس‌های کینه، ترس، گناه در ضمیر پنهان و ترس در کنار همه عصیان‌های آنها قرار دارد. اما اشتیاق‌هایی که به سوررئالیسم الهام می‌دهند مثبت‌اند. این اشتیاق‌ها امید زیستن و دوست داشتن را، هیجان در برابر زیبایی تکان‌دهنده را و انتظار نشانه‌هایی را که به هستی ما معنی می‌دهد، در دل زنده می‌کنند. (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۸۹۸)؛ عناصر سازنده‌ی اندیشه سوررئالیستی بر مؤلفه‌های هشت‌گانه زیر استوار است: طنز، رؤیا، نگارش خودکار، اشیای سوررئالیستی، فضای سوررئالیستی، تصادف عینی، دیوانگی، امر شگفت و جادو. (همان)

۳- تحلیل داده‌ها

شمس لنگرودی از اغلب بن‌مایه‌های سوررئالیستی، به‌طور گسترده و ساختاری در خلاقیّت ادبی خود سود برده است. بااین‌همه در برخی شعرها، یکی از آنها ممکن است برجسته‌تر بنماید و با بررسی‌های آماری بر بنیاد ۱۱۱۵ واحد شعر، پربسامدترین آنها شامل نگارش خودکار، فضای سوررئالیستی، رؤیا، طنز در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است، که شالوده‌های اصلی سبک و نگاه شاعر را می‌سازد.

۳-۱- نگارش خودکار

گفتاری که در اعماق ضمیر پنهان شکل می‌گیرد اگر بدون توجّه به سنّت شاعرانه و زیبایی‌شناسی کلاسیک و یا اهداف دیگر ثبت شود یکی از ظرفیت‌های بیان شاعرانه است که برتون بر آن تأکید داشت. تازگی و غرابت نگارش خودکار در شعر تفاوت و تمایز آن با قواعد ادبی است که در واقع قواعد ادبی را زیرورو می‌کند. نگارش خودکار یکی از راه‌های کشف ضمیر ناخودآگاه بود که ابتدا موردتوجّه فروید و روانکاوان پس از او قرار گرفت؛ یعنی کشف فرآورده‌های ذهنی که کمتر تحت کنترل قرارگرفته باشد. پیوند زبان با خودانگیختگی واقعی، آزادی انسان را آشکار می‌کند. آزادی انسان در یکسان گردی کامل انسان با زبانش احیا می‌شود. (آندره برتون، ۱۳۹۸: ۲۳۰)؛ عمل نگارش خودبه‌خود منحصر به زبان نیست. وقتی میل و رغبت بدون مانع بیان شود، این حالت خودبه‌خود معلومات تازه‌ای را درباره‌ی انسان و اقلیم اندیشه او تقدیم می‌کند. نگارش خودبه‌خود همیشه درهای جدیدی را بر ضمیر ناخودآگاه می‌گشاید و اندوخته‌ی ضمیر ناخودآگاه را با ضمیر خودآگاه و جهان افزایش می‌دهد. (آدونیس، ۱۳۸۵: ۳۰۰)؛ نگارش خودکار به دلیل آزادشدن ذهن از مفاهیم پیشینی و رها شدن در ضمیر ناخودآگاه، ظرفیت‌های بیانی تازه‌ای را در زبان شعر آشکار می‌کند.

نگارش خودکار بی‌واسطگی گفتار شاعر است در لحظه‌ای که از ضمیر ناخودآگاه می‌جوشد که به تداعی آزاد معانی می‌انجامد. کاربرد زبان گفتار همان نگارش طبیعی و خودبه‌خود مفاهیمی است که فارغ از قیود عروضی و بلاغی از ضمیر شاعر بیرون می‌زند. در اعماق ضمیر پنهان، به‌طور مدام گفتاری شکل می‌گیرد که کافی است به آن توجّه کنیم تا بتوانیم هرلحظه آن را ثبت کنیم در این صورت می‌توان پی برد به اینکه زبان گفتار آگاه روزمره فقط حجابی است بر جریان درونی‌ترین و صمیمانه‌ترین اندیشه سرکوب‌شده. (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۸۲۷)

چرا مار/ پوستش را می‌گذارد و می‌رود/ چرا تو مرا می‌گذاری و می‌روی/
من اگرچه چراغی خاموش‌ام/ آنچه که در چشمت می‌درخشد/ چشم‌های گرگی است/
که از سر اشتیاق قهقهه می‌زند. (شمس لنگرودی، ج۲، ۱۳۹۳: ۵۵۷)

در نگارش خودکار، شاعر در هنگام آفرینش شعر، تابع جریان سیال ذهن است و آنچه را که در درونش می‌جوشد بر سر کاغذ می‌آورد، در عین بی‌نظمی دارای انسجام عاطفی است.

روزی نو/ آغازی نو/ جغرافیای بوسه‌ی من کجایی/ تا در سپیده‌های تو پهلو گیرم/
عطر گل شب بو کجایی/ شب تابستانی بی‌حس کنار جاده فروافتاده است/
دلم می‌خواهد چنان بنوشمت که در استخوانم حل شوی. (شمس لنگرودی، ج۱، ۱۳۸۷: ۶۴۴)

در نگارش خودکار علاوه بر فعالیت جریان سیال ذهن، کاربرد زبان گفتار در بیان شاعر یکی از شیوه‌های قابل‌توجّه است که اگر شاعر در انتقال حس همدلی با مخاطب موفق شود، نوعی سهل و ممتنع بلاغت

قدیم در آن دیده می‌شود. زبان گفتار، ظرفیت‌های بیانی گسترده‌ای را برای کشف فضاهای تازه می‌سازد. علاوه‌برآن رهایی از قیود دست و پاگیر بیان کلاسیک در طبیعت زبان گفتار نهفته است. شمس با آزادسازی بیان شعری از هرگونه تقید صوری و کاربرد زبان گفتار، به یکی از ویژگی‌های برجسته سوررئالیست‌ها، جریان سیال ذهن، رو می‌آورد که در دفتر ملاح خیابان‌ها و نت‌هایی برای بلبل چوبی بسامد آن بسیاربالاست.

دوستت دارم/ و عشق تو از نامم می‌تراود/ مثل شیره‌ی تک‌درختی مجروح/ در حیاط زیارتگاهی. (همان: ۷۵۴)

نگره اقلیمی در تصویر درخت مجروح زیارتگاه در مناطق روستایی گیلان قابل‌توجّه است.

چه چیزهای ساده‌ای که از یاد می‌برد/ می‌بینی!/ دنیا زیباست محبوب من/نمی‌دانستم

برای نشستن زندگی در کنارمان/ چهارپایه‌ای نداریم. (همان: ۵۱۵)

لحن صمیمانه‌ای که با نگارش خودکار در زبان گفتار است، احساس این‌همانی به مخاطب منتقل می‌کند تجاهل‌العارفی که مفهوم ذهنی زندگی را با نشستن روی چهارپایه عینی و واقعی جلوه می‌دهد.

جز شعر /که بال و پرش را به صورتم می‌ساید و بیدارم می‌کند/ جز موسیقی

که تعادل دنیا / در گوشه‌ی انگشتانش حفظ می‌شود، جز او/ که جبرییل مقدس

در حضورش وضو می‌سازد/ و نامه‌های پیامبران را باز می‌کند/ چه چیز جهان، چه چیز جهان. . .

طاووس عرش کبود من، جبرئیل!/ ببین چه چیز نهفته‌ای به نامه‌های شما هست

که در اوراق دبستان او نیست. (شمس لنگرودی، ج۱، ۱۳۸۷: ۷۵۵)

با دقت در شعرهایی که از نگارش خودکار آفریده می‌شوند در زبان گفتار تجلی می‌یابند، که ضمیر ناخودآگاه را صمیمانه‌تر بازتاب می‌دهند:

ای پاک‌کن!/دشمن هم اگر نباشی/پاک می‌کنی/تو و او را/ برای زدودن دیگران آفریده‌اند. (شمس لنگرودی، ج۲، ۱۳۹۳: ۴۶۴)

۳-۲- فضای سوررئالیستی

فضا در شعر معاصر به تأثیر کلی عناصر یک شعر اشاره می‌کند پس از خوانش هر شعر در ذهن مخاطب وحدت تأثیری از ارگانیزم شعر ایجاد می‌شود که همان فرم ذهنی شعر است. در فضای سوررئالیستی عناصر دور از هم کنار یکدیگر می‌نشینند و ایجاد غرابت و تازگی می‌کنند. جمع پدیده‌های ناساز با همدیگر که با تشبیهات وهمی و بیان پارادوکسی، فضای فراواقعی ایجاد می‌کند. زیبایی صور خیالی که سوررئالیست‌ها کشف می‌کنند، می‌تواند موانعی را که دنیا در برابر رؤیاهایشان قرار می‌دهد به فراموشی بسپارند. (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۸۵۷)؛ فضاسازی در شعر یکی از ویژگی‌های عمده شعر موج نو

بود که با الهام از سوررئالیسم زاده شد کاربرد واژگان و تصاویر در مصرع، به‌تنهایی نمی‌تواند فضای شعری را برجسته کند بلکه مجموعه عناصر به‌کاررفته در شعر به ایجاد فضاهای تازه می‌انجامد. ایجاد فضاهای سوررئال در شعر برای شگفت‌آفرینی و اعجاب مخاطب از طریق آشنایی‌زدایی در عناصر زیبایی‌شناسی کلاسیک (مکتب‌های سمبولیسم و رمانتیسیسم) انجام می‌شود.

شمس لنگرودی نیز شیوه فضاسازی در شعر را با تجربه‌های موفقی پشت سر گذاشته است. او گاهی از اسبانی سخن می‌گوید که نشسته‌اند و ستاره‌ها را می‌شمارند و سگ‌هایی که سکوتشان به شیشه بدل می‌شود و کلمات شاعر کفش می‌پوشد. ویژگی‌های دیگری از جمله تشبیهات وهمی و دور از ذهن، استعاره‌های مفهومی در فضاسازی سوررئالیستی نقش دارد:

ای پاک کن/دشمن هم اگر نباشی/پاک می‌کنی/تو و او را/برای زدودن دیگران آفریده‌اند
(شمس لنگرودی، ج۲، ۱۳۹۳: ۴۶۴)

با توجّه به بررسی آماری در شعرها، عمده‌ترین فضاهای موجود در پس‌زمینه شعرهای شمس لنگرودی عبارتند از فضاهای مبتنی‌بر عناصر موسیقی، عناصر زبان و دستور زبان فارسی، اساطیر، زندگی روزمره شهری، جنگ و صلح و روابط عاشقانه و عناصر اقلیمی و ... در شعر زیر، واژگانی که در کنار هم نشسته‌اند، متأثر از واژه «سرباز»، احضار می‌شوند و فضای جنگ و صلح را در شعر بازنمایی می‌کنند:

حروف الفبا/ سربازانی سرتراشیده‌اند/ به ردیف دراز کشیده و لبخند می‌زنند/ در سایه شعرهای من/ حروف الفبا سربازانی سرتراشیده در سایه و باد خفته‌اند/اکنون که صلح را ارمغان نفس‌هایم کرده‌ای.
(شمس لنگرودی، ۱۴۰۲: ۱۰۰)

۳-۳- رؤیا

شعر با درهم‌ریختگی زمان و مکان، به بازآفرینی آنچه در ضمیر ناخودآگاه شاعر می‌گذرد، می‌پردازد و تحت تأثیر رؤیا، عناصر و قلمروهای گوناگون زیستی و روانی را درهم می‌آمیزد. «اهمیّت رؤیا در سوررئالیسم از آن جهت است که قلمرو خیال را واقعیتی برابر با عالم بیداری می‌دانند. رؤیا به آدمی اجازه می‌دهد که در خود نفوذ کند و به معرفت متعالی دست یابد.» (سیدحسینی،۱۳۷۶: ۸۳۷)؛ فروید رؤیا و خیال را دو عنصر مهمی می‌دانست که می‌تواند در برابر امیال سرکوفته تبدیل به مکانیسم دفاعی آدمی شود یکی در حالت بیداری و دیگری در حالت خواب. به عبارت ساده‌تر، فروید، جهان واقعی فراتر از واقع را کشف کرده بود. (ثروت، ۱۳۹۰: ۲۷۱)؛ رؤیا را پیش متن واقعیت دانستن و واقعیت را همان رؤیا پنداشتن در سرودن شعر، باعث رهایی ذهن شاعر از مفاهیم از پیش تعیین‌شده می‌شود. پاشان و پریشان بودن و دور بودن دو سوی تصاویر از هم باعث رؤیاوارگی شعر است. «بازیابی همه نیروی روحی ما به

وسیله‌ای که عبارت است از فرود سرگیجه‌آور در خویشتن، روشن ساختن منظم مواضع نهفته و روزافزون مواضع دیگر. (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۸۳۷)

شمس به تأثیر از سوررئالیست‌ها، واقعیت را بازتاب رؤیای انسان می‌داند. با کاوش در ضمیر پنهان و خواب‌ها و خاطرات دور و نزدیک، همه آنچه را که دنیا و مرگ از انسان می‌گیرد از مسیر رؤیا می‌گذراند و به شعر بدل می‌کند. در دفتر قصیده لبخند چاک‌چاک، جهان را بر خود زندان می‌بیند و موقعیت اضطراب‌آور زندان را در نسبت با جهان آزاد چنین به تصویر می‌کشد:

بر دیوار زمان روزنی نیست/ تنها/ رؤیا از حصار زمان می‌گذرد... /سکوت سفال‌های خزه بسته

که مضطرب و مهربان/ در آغوش یکدگر خفته‌اند،/ _ بخار زمان‌های مرده، در گود آهک سالیان_

دوغاب زمان / و هیچ/ جز سفیده‌ی سیال عصر

(شمس لنگرودی، ۱۳۸۷: ۲۰).

در شعر زیر که شرح رؤیای شاعراست واقعیت برتر را از ورای واژگان و تصاویر به مخاطبان تعارف می‌کند که فضای ایجادشده در پایان شعر با نگره اقلیمی شاعر پیوند می‌خورد تصویری که سنگ‌نوشته‌ی باران را با فواره ماهیان و میوه‌های حباب بر دریا می‌خواند:

می‌خواهم رؤیاهایم را نصف کنم/ نیمی برای شما/ که فرصت زیستن را/

در صف‌های سیاه از دست داده‌اید/ نیمی برای من/ که فرشتگان مسافر/ بال‌های غبارآلودشان را

در آرامش من می‌شویند. (همان، ۱۱)

۳-۴- طنز

طنز بیش از هر شگرد بیانی دیگر واکنش انسان هنرمند یا شاعر و گاهی فیلسوف به بلاهت‌ها و تناقض‌های انسان در زندگی است به‌گونه‌ای که لبخند بر لب مخاطب می‌نشاند. طنز به دلیل آشنایی‌زدایی از روابط عادی اشیا، غریب‌گردانی می‌کند. روابط اشیا را زیرورو می‌کند تا استهزاآمیز بودن برخی روابط را گوشزد کند. طنز که ویران‌کننده جنبه‌های عادی هستی است، روح را با برخوردهای غیرمنتظره، از افق‌های عادی خویش جدا می‌کند و به راه دیگری می‌اندازد و برای رودررویی با واقعیت دیگری آماده می‌کند: فرا واقعیت. (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۸۱۶)؛ طنز کاربرد غیرمتعارف زبان برای شکستن روابط عادی اشیاست، به‌گونه‌ای که مخاطب را از نمایش انکار بدیهیات به خنده می‌اندازد. تصویری لبخندآمیز از تناقض‌های وجودی انسان و جامعه است. رویکرد شاعر در آفریدن طنز اصلاحی است و جامعه را به زبان هنری از کژروی بر حذر می‌دارد و البته مرز روشنی با هجو و هزل دارد. در طنز نوعی بی‌علاقگی به دنیای مبتذل واقعی است و خنده‌ی طنز، سلاحی است برای از هم گسستن یوغ سالوس و ریا. (همان،

۸۱۳)؛ در نظر هگل طنز، در عصری که از تهدیدهای بسیار آکنده است نقش دفاعی در زندگی ما دارد که به‌عنوان تمایل به پیروزی تناقض‌آمیز بر شرایط نامناسب ما در جهان، جلوه می‌کند که برتون به‌تدریج از اصطلاح طنز عینی هگلی فاصله می‌گیرد و صفت سیاه را جانشین صفت عینی می‌کند. طنز سیاه خنده‌ای است آمیخته به ناسزا که از اعماق درون عاصی برمی‌آید، برای مقابله با عقاید رایج و گفتار جهانی آنها. (همان، ۸۲۱)

طنز در شعر شمس لنگرودی بیشتر بر جنبه‌ی هستی‌شناسانه تأکید دارد و به موقعیت اضطراب‌آور انسان در جهان می‌پردازد. مرگ، عشق و آزادی دستمایه‌ی طنزهای فراوان اوست. بازی انگاشتن زندگی به بازی گرفتن آن و درنتیجه، جدی نگرفتن آن در زبان طنزآمیز شعر او ظاهر می‌شود. «حقارت‌ها و پوچی‌هایی دنیایی که در آن جریان دارد، در نظر کسی که از دل‌وجان در آرزوی لایتناهی است، آن دنیا را خنده‌دار و کمیک جلوه می‌دهد.» (همان، ۸۱۳)؛ نگاه طنزآمیز شاعر به بازی‌های زندگی و بازی‌خوردن مداوم از جهان، و سطحی‌نگری و غفلت انسان، در فضای سوررئالیستی شعر، با اسطوره و تاریخ و محیط زندگی، پیوند می‌خورد:

آسان است که هوا را مومیایی کنم/ بگذارم هزاره بعد فرعونش بخوانند/
آسان است تعادل روز را بر انگشتم بگیرم/ شب تاریک را هیچ کس نبیند...
اما که چه، محبوب من!/ وقتی دنیا/ در جیب کوچک خود بازیمان می‌دهد/ ما همچنان
به کلوچه صبحگاهی او خوشنودیم. (شمس لنگرودی، ۱۳۹۴: ۶۰۶)

طنز هستی شناسانه شمس درباره درماندگی ساکنان کره زمین که در پنج قاره سرگردان هستند، به درماندگی پنج گاو نر مانند شده (در گیلان به آن ورزا می‌گویند)، پنج ورزایی که در میانه‌ی گرمای رنج‌آور تابستان و در میان هجوم پشه‌هایی که خونشان را می‌خورند، از روی درماندگی سر می‌چرخانند:

پنج ورزای سفید،/ خاموش / در پشه باران تابستان.
(شمس لنگرودی، ۱۳۸۷: ۶۶۲)

شمس لنگرودی در طنز آفرینی زبان پاکیزه‌ای دارد طنزهای او گاهی تصویر باژگونه اساطیر و گاهی تجاوز هنری به تابوهای جامعه است. سوررئالیست‌ها به طنز به‌مثابه انکار واقعیت مبتذل و رسیدن به فرا واقعیت یا واقعیت برتر می‌نگریستند. در مواجهه با احکام جدی مذهب، طنزنویس شادمانه به بزرگنمایی مغایرت حرف و عمل می‌پردازد. تزویر و ریا همیشه موضوع‌های دم‌دست اوست، خاصه وقتی‌که ریاکاران به‌واسطه‌ی حرف خود متعهد به معیارهای رفتاری متفاوتی باشند. (پلارد، ۱۳۷۸: ۱۹)؛ گاهی باژگونه‌کردن اساطیر، شعر شمس را در قلمرو اعتراض سوررئالیستی می‌برد که همان عصیان علیه نظم ذهنی و هوشیاری انسان است.

کشتی‌هایم را جمع کرده‌ام/ منتظرم نوحم بیاید/ و وداع گویم شما را /
چه بود اینکه زندگی‌اش نام کرده بودید/ باریکه آب بی‌ثمری/ که تاب کشتی کاغذینم را نداشت
(شمس لنگرودی، ۱۳۹۴: ۵۳۴)

۳-۵- نگره اقلیمی در شعر شمس لنگرودی

نگرش سوررئالیستی به جهان یعنی واقعیت بازتاب رؤیای انسان است. یگانه شدن ذهن و عین می‌تواند تجربه زیسته و فراموش‌شده شاعر را از ضمیر ناخودآگاه او بیرون بکشد. نگره‌ی اقلیمی، پرتاب‌شدگی ناخودآگاه تجربه زیستی شاعر است که بازتاب دهندگی و آینگی طبیعت و زیست‌بوم شاعر را بر عهده دارد. از دید سوررئالیست‌ها که از زندگی صنعتی و جنگ میان شهرها و کشورها نفرت پیدا کرده بودند، طبیعت می‌توانست سکوتی را که در هیاهوی شهرها گم شده است، به انسان بازگرداند. با توجّه به بررسی آماری در شعرها، و شناسایی فضاهای گوناگون، آشکار شد که بیش از نیمی از شعرهای شمس لنگرودی، بر زمینه فضای اقلیمی شکل گرفته است. گاهی عناصر و نمادهای خاص طبیعت گیلان به ایجاد فضای اقلیمی کمک می‌کنند، تمشک و لک‌لک در ساحل دریای خزر این‌گونه تصویر می‌شود:

این خواب/ تمشکی وحشی بود / که دره‌ها و کوهساران بسیار را درگرفت
(شمس لنگرودی، ۱۳۸۷: ۳۷)

گرمه‌باد غبارینی که روی ستاره‌ها می‌ریزد/ برگ کدام گیاهی را/ در کف دارد. (همان، ۲۰۵)

بالای تپه‌ها/ انبوه گزنه‌ها و شب‌پره‌های مومیایی/ بالای تپه‌ها/ کاربافک شفاف، تارهای گزنده
(همان، ۳۲۸)

مردگان مرا به دریا ریختند و صدای کاکائی کوری شنیده شد (همان، ۳۲۴)

گاهی واژگان زبان محلی گیلان، با چهره‌نمایی در شعر، تعامل و برخورد یک زبان پیرامونی با زبان رسمی را به نمایش می‌گذارد:

ای روزگار!/ که سعادت/ گرمالتی است/ که حقیقت راستینش نیست (همان، ۱۱۱)

حتی یک بار، تا پشت چپرها آمد/ کتله‌ام را پوشیدم/ سوی صدا دویدم/
ولی تو پشت چپر نبودی (همان، ۲۱۳)

در کنار جنبه‌های اجتماعی و روانی، پدیده‌ی دوزبانگی، ازنظر جنبه‌های فرهنگی و زیستی آن نیز قابل‌توجّه است. در این رابطه، تعامل، تداخل، آمیختگی، قرض‌گیری به طرق و انحاء مختلف صورت می‌گیرد، این تغییر زبانی می‌تواند عامل مهمی در همانندی گروهی، همبستگی گروهی و علامت رسانی متفاوت باشد، زیرا وقتی گروهی از بیرون مورد تهاجم قرار می‌گیرد، نشان دهی تفاوت، اهمیت بیشتری می‌یابد. (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۳۱)؛ عناصر محیطی، زندگی مبتنی‌بر روابط کشاورزی، داستان‌های محلی و فضای زیست‌بوم گیلان، همواره به شیوه‌های گوناگون در شعر شمس لنگرودی حضور دارد:

تو چه دوری از من خزر/ و چه نزدیکی با من/ که دلم را خیس می‌کنی (همان، ۵۵۶).

قاطر خسته‌یی که با کمر شکسته از تپه سنگین بالا می‌رود/ کلاه مچاله‌ای که بر رودخانه زیر و زبر می‌شود/ خرگوش لوچ، مار فلج،/ ورزای پیر، درد کمر... / آه از این گوشه تاریک هم آیا بهاری خواهد تابید؟ (همان، ۱۴۴)

از سوی دیگر، فضاهای مبتنی‌بر طبیعت و عناصر غیرصنعتی، نشان می‌دهد که او برای کنار زدن فضای مسلط جامعه مدرن، سودانگار و صنعتی که انسان را به ابزاری برای مصرف‌گرایی تبدیل می‌کند، برای ایجاد یک زیست‌جهان بدیل، به اشیا و نگره اقلیمی روی می‌آورد.

۴- نتیجه‌گیری

تجربه سوررئالیسم که در ادامه راه نیما، راهی به شعر معاصر بازکرده بود، از نخستین دفتر شعری لنگرودی در مرکز بینش شاعرانه او قرار گرفت و شمس به‌سرعت از قیود زیبایی‌شناسی شعر کلاسیک و شعر سمبولیستی معاصر کناره گرفت و از ظرفیت‌های نگارش خودکار برای ایجاد فضاهای سوررئالیستی بهره برد. این مقاله با بررسی مقوله‌های پربسامد سوررئالیستی در شعر شمس لنگرودی و پیوند آن با نگره اقلیمی به‌مثابه عامل زمینه‌ای برجسته برای کدگذاری و رمزگشایی شعرها، به نتایج زیر منتهی شده است:

با در نظر گرفتن هر شعر به‌عنوان یک واحد تحلیل، از میان مجموع هزار و صد و پانزده قطعه شعر سپید از شمس لنگرودی و توزیع آن بر اساس مقوله‌ها و مؤلفه‌های هشت‌گانه سوررئالیسم، و در نظر گرفتن غلبه‌ی یک مقوله بر فضای شعر، با توجّه به همپوشانی برخی مقوله‌ها، بسامد مقوله‌های نگارش خودکار (۲۵۰ قطعه)، فضای سوررئالیستی (۲۴۸ قطعه)، رؤیا (۲۴۰ قطعه)، طنز (۱۶۷ قطعه) از بقیه بیشتر است (در مجموع ۹۰۰ از ۱۱۱۵) و چهار مقوله دیگر در رتبه‌های بعدی قرار دارند. با توجّه به عنصر نگره اقلیمی در شعرهای سوررئالیستی، آشکار می‌گردد که بیش از ۵۰ درصد از شعرهای شمس لنگرودی، بر زمینه عناصر اقلیمی طبیعی شکل گرفته است.

گسترش تجربه فضاهای سوررئالیستی مبتنی‌بر عناصر موسیقی، زبان و دستور زبان فارسی، اساطیر، زندگی روزمره شهری، جنگ و صلح و روابط عاشقانه و عناصر اقلیمی و... در اغلب شعرهای او دیده می‌شود. این ویژگی در کنار سادگی زبان، شعری با رونمای آسان ولی چندلایه پدید آورده است، که در ارتباط با مخاطبان جدید موفق عمل کرده است. سادگی صوری زبان شعر، بخشی از بوطیقای هنری اوست، که طنز، فرا واقعیت، بیان پارادوکسی، استعاره‌های مفهومی و فضاسازی‌های تازه، ابعاد دیگر آن را به نمایش می‌گذارند. دلالت‌های ضمنی فراوان در شعر او، لایه‌های پنهان را برای خواننده ژرف‌نگر، همواره محفوظ نگه می‌دارد که تأمل در آن به ادراک و کشف جهان تازه‌ای در پیرامون ما منتهی می‌گردد.

نگارش خودکار سوررئالیستی، شعر را به‌سوی فضاهای گوناگونی می‌کشاند که با دقت در گونه‌گونی آن، نقش برجسته‌ی فضاهای اقلیمی در شعر لنگرودی، از بسامد بالایی برخوردار است و درمجموع، در ۵۰ درصد از کل شعرها، فضای اقلیمی حضور نمایان دارد و در حرکت به‌سوی فراواقعیت، فضای اقلیمی به‌مثابه‌ی واقعیت جایگزین عمل می‌کند زیرا راهی برای رهایی از تنگنای زندگی روزمره و سلطه‌ی جامعه سودانگار صنعتی و تناقض‌های درونی انسانی است که ضمیر پنهان و ناهشیار آن را در پیش پای شعر می‌گذارد.

منابع

- بابا زاده اقدم، عسکر؛ نوروزی، یعقوب، (۱۳۹۹)، «نگاهی به مکتب سوررئالیسم و جلوه‌هایی از آن در شعر قیصر امین‌پور»، **نشریه‌ی مطالعات ادبیات تطبیقی**، شماره ۵۳، ۴۸۵ - ۵۰۹.

- براهنی، رضا (۱۳۷۱) «**طلا در مس**»، نشر زریاب: تهران.

- برتون، آندره (۱۳۹۸) «**سرگذشت سوررئالیسم ۱۹۱۳- ۱۹۵۲، گفت‌وگو با آندره برتون**»، ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی: تهران.

- برونل، پیر و. . . دیگران، (۱۳۹۱)، «**تاریخ ادبیات فرانسه**»، ترجمه افضل فروغی، سمت: تهران.

- پرهام، سیروس، (۱۳۹۴)، «**رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات**»، انتشارات آگاه: تهران.

- پلارد، آرتور، (۱۳۷۸)، «**طنز**»، ترجمه سعید سعیدپور، نشر مرکز: تهران.

- تسلیمی، علی، (۱۳۹۶)، «**پژوهشی انتقادی-کاربردی در مکتب‌های ادبی**»، کتاب آمه: تهران.

- ثروت، منصور، (۱۳۹۰)، «**آشنایی با مکتب‌های ادبی**»، انتشارات سخن: تهران.

- حسن‌زاده، عبدالله، عبدی محمدرضا، (۱۳۹۲)، «نگاهی گذرا به جلوه‌های سوررئالیستی هشت کتاب»، **فصلنامه ادبیات پارسی معاصر**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱، ۷۷-۹۵.

- سیدحسینی، رضا، (۱۳۷۶)، «**مکتب‌های ادبی**»، انتشارات نگاه: تهران.

- سعید، علی احمد (ادونیس)، (۱۳۸۵)، «**تصوف و سورئالیسم**»، ترجمه حبیب‌الله عباسی، انتشارات سخن: تهران.

- شریفی، فیض، (۱۴۰۰)، «**شعر شمس لنگرودی از آغاز تا امروز**»، انتشارات نگاه: تهران.

- شمس لنگرودی، محمد (۱۳۷۸)، «**تاریخ تحلیلی شعر نو**»، نشر مرکز: تهران.

---------- (۱۳۸۷)، «**مجموعه اشعار**»، ج۱، انتشارات نگاه: تهران.

---------- (۱۳۹۴)، «**مجموعه اشعار**»، ج۲، انتشارات نگاه: تهران.

---------- (۱۴۰۲)، «**رقص با گذرنامه جعلی**»، انتشارات نگاه: تهران.

- طاهری، قدرت‌الله، (۱۳۹۲)، «**بانگ در بانگ**»، انتشارات علمی: تهران.

- عباس، احسان، (۱۳۹۱)، «**شعر و آینه، تئوری شعر و آینه در مکاتب شعری**»، ترجمه سید حسن حسینی، انتشارات سروش: تهران.

- قنبری عبدالملکی، رضا، (۱۳۹۲)، «تأثیرپذیری جریان‌های شعر موج نو و حجم‌گرا در ایران از سوررئالیسم فرانسه»، **فصلنامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی**، شماره ۲، ۱۳۹-۱۶۲.

- کلانتر، نوش‌آفرین، (۱۳۹۴)، «**بررسی مؤلفه‌های سوررئالیسم در شعر سید علی صالحی**»، مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی دانشگاه محقق اردبیلی.

- کیانی، هاله و پیروز، غلامرضا، (۱۴۰۱)، «**بازاندیشی انتقادی جریان شناسی ادبیات معاصر ایران، نقد و تحلیل کاربست مکتب‌های ادبی**»، طرح نو: تهران.

- ولک، رنه، (۱۳۸۹)، «**تاریخ نقد جدید**»، جلد هشتم، ترجمه سعید ارباب شیروانی، انتشارات نیلوفر: تهران.

- هارونی، مهین؛ مرتضوی، سید جمال‌الدین؛ صادقی، اسماعیل؛ امین، احمد، (۱۳۹۹)، «بررسی مبانی مشترک سوررئالیسم و مثنوی‌های عطار نیشابوری»، **پژوهش‌نامه مکتب‌های ادبی**، دوره ۴، شماره ۱۲، ۱۲۳-۱۴۳.

- هنرمندی، حسن، (۱۳۳۶)، «**از رمانتیسم تا سوررئالیسم**»، انتشارات امیرکبیر: تهران.

References

Abbasi, Habibollah (Trans.). (2006). *Sufism and Surrealism by Adonis* (Ali Ahmad Said). Tehran: Sokhan Publishing.

Abbas, Ehsan. (2012). *Poetry and the Mirror: Theory of Poetry and the Mirror in Poetic Schools*. Trans. Seyed Hassan Hosseini. Tehran: Soroush Publishing.

Baba Zadeh Aghdam, Askar & Norouzi, Yaghoub. (2020). "A Look at the Surrealist School and Its Manifestations in the Poetry of Qeysar Aminpour." *Comparative Literature Studies Journal*, No. 53, pp. 485–509.

Baraheni, Reza. (1992). *Gold in Copper*. Tehran: Zaryab Publishing.

Berton, André. (2019). *The Story of Surrealism: 1913–1952, Interviews with André Berton. Trans*. Abdollah Kowsari. Tehran: Ney Publication.

Brunel, Pierre et al. (2012). *History of French Literature*. Trans. Afsal Foroughi. Tehran: SAMT Publishing.

Harouni, Mahin; Mortazavi, Seyed Jamaleddin; Sadeghi, Esmail; Amin, Ahmad. (2020). "Exploring the Common Foundations of Surrealism and Attar's Masnavi Poetry." *Journal of Literary Schools*, Vol. 4, No. 12, pp. 123–143.

Hassan Zadeh, Abdollah & Abdi, Mohammadreza. (2013). "A Glimpse at the Surrealist Features in 'Eight Books.'" *Contemporary Persian Literature Quarterly*, No. 1, pp. 77–95.

Honarmandi, Hassan. (1957). *From Romanticism to Surrealism*. Tehran: Amir Kabir Publishing.

Kiani, Haleh & Pirooz, Gholamreza. (2022). *A Critical Reassessment of Contemporary Iranian Literature and Literary School Application*. Tehran: Tarh-e No.

Kalantar, Noushafarin. (2015). "Analyzing Surrealist Elements in the Poetry of Seyed Ali Salehi." *Proceedings of the 10th International Conference*, University of Mohaghegh Ardabili.

Langeroodi, Shams. (2008). *Collected Poems*, Vol. 1. Tehran: Negah Publishing.

Langeroodi, Shams. (2015). *Collected Poems*, Vol. 2. Tehran: Negah Publishing.

Langeroodi, Shams. (2023). *Dancing with a Fake Passport*. Tehran: Negah Publishing.

Langeroodi, Shams. (1999). *Analytical History of New Poetry*. Tehran: Markaz Publishing.

Pollard, Arthur. (1999). *Humor*. Trans. Saeed Saeedpour. Tehran: Markaz Publishing.

Pourham, Siros. (2015). *Realism and Anti-Realism in Literature*. Tehran: Agah Publishing.

Saleemi, Ali. (2017). *A Critical and Applied Study of Literary Schools*. Tehran: Ketab-e Amah.

Seyyed Hosseini, Reza. (1997). *Literary Schools*. Tehran: Negah Publishing.

Sharifi, Feyz. (2021). *The Poetry of Shams Langeroodi: From the Beginning to Today*. Tehran: Negah Publishing.

Taheri, Ghodratollah. (2013). *Sound in Sound*. Tehran: Elmi Publishing.

Tharwat, Mansour. (2011). *An Introduction to Literary Schools*. Tehran: Sokhan Publishing.

Valaik, René. (2010). *History of New Criticism*, Vol. 8. Trans. Saeed Arbāb Shirvani. Tehran: Niloufar Publishing.

Ghanbari Abdolmaleki, Reza. (2013). "Influence of French Surrealism on Iranian Modernist and Volume-Oriented Poetry." *Comparative Literature Research Quarterly*, .No. 2, pp. 139–162